



رویکرد حقوق بشری به قیام امام حسین(ع) و آثار آن

مهدی فیروزی^۱

چکیده

قیام ابا عبدالله الحسین(ع)، به سبب ویژگی‌ها و ظرفیت‌های الهام‌بخش و درس‌آموز برای بشر معاصر، از جمله غیرمسلمانان، مورد توجه است اما غلبه نگاه توصیفی و حماسی، موجب مکتوم ماندن ابعاد جهانی و فرادینی آن شده است. یکی از مهم‌ترین ابعاد مغفول این نهضت، رویکرد حقوق بشری و آثار مترتب بر آن است. مقاله حاضر به دنبال یافتن پاسخ به این سؤال محوری است: رویکرد حقوق بشری به قیام و نهضت امام حسین(ع) چه آثاری به همراه دارد؟ این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، ابتدا به بررسی رویکردهای تحلیلی (موردی و کل‌نگر) به قیام می‌پردازد و سپس مهم‌ترین آموزه‌های حقوق بشری آن را در ابعاد مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تحلیل می‌کند. فرضیه پژوهش بر آن است که این نهضت، دربردارنده مجموعه‌ای از آموزه‌های بنیادین و فرادینی نظیر کرامت ذاتی انسان‌ها، عدالت، حق حیات، حق تعیین سرنوشت، حق دسترسی به اطلاعات و مانند آن است که می‌تواند سرمشق و الهام‌بخش انسان معاصر فارغ از هر آیین و مذهبی باشد. نتایج بحث حاکی از آن است که رویکرد حقوق بشری به قیام امام حسین(ع)، آموزه‌های فرادینی و بنیادینی مانند کرامت انسانی، عدالت‌خواهی، حق بر حیات و حق بر تعیین سرنوشت را دربرمی‌گیرد که در حقوق بشر عرفی نیز قابل اثبات و استناد است و در نتیجه، الگویی جهانشمول، قابل تعمیم، جاودانه و الهام‌بخش برای تمام بشریت در مبارزه با بی‌عدالتی و احقاق حقوق پایمال شده است و به تقویت گفتمان حقوق بشر یاری می‌رساند.

کلیدواژه‌ها:

حقوق بشر، عدالت، حق‌الناس، امام حسین(ع)، محرم، عاشورا، حقوق بشر

۳۶

دوره ۱۴، شماره ۱، پیاپی ۳۶
بهار ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳-۰۶-۲۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴-۰۲-۱۰

صص: ۱۲۵-۱۰۷

شابا چاپی: ۵۶۴۵-۲۳۲۲

رتبه علمی



بررسی صنعت گواهی در:
JOURNALS.MSRT.IR



مقدمه و بیان مسأله

با وجود حجم وسیع پژوهش‌های انجام شده با رویکرد عاطفی، تاریخی و کلامی درباره قیام عاشورا، یک خلاء روش‌شناختی در تحلیل نظام‌مند این نهضت بر اساس اصول و مفاهیم حقوق بشر معاصر مشاهده می‌شود. این امر، ابعاد جهانی، انسانی و فرادینی این قیام را در حاشیه قرار داده و آن را از قابلیت الگوگیری حقوقی فرادینی بازداشته است.

پژوهش حاضر با اتخاذ رویکرد حقوق بشری، در پی پر کردن این خلاء پژوهشی و تبیین ابعاد انسانی و الهام‌بخش این نهضت برای انسان معاصر است. از این رو، یک تحلیل نظام‌مند حقوق بشری و تطبیقی از این قیام، می‌تواند پلی میان تاریخ، فقه و حقوق بین‌الملل بشر بزند و با تحلیل و استخراج اصول و آموزه‌های حقوق بشری از این نهضت، الگویی نظری و عملی برای انسان‌های عدالتخواه و جنبش‌های مقاومت فراهم آورد.

علاوه بر این، این حادثه از چنان اهمیت و ابعاد گسترده‌ای برخوردار است که تأمل در آن، افق‌ها و زوایای جدیدی را به روی بشریت می‌گشاید. الهام‌بخشی این نهضت و آموزه‌های آن، یکی از علل اصلی ماندگاری و جاودانگی آن در طول زمان است عبارت معروف «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا وَ كُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَاء» نیز بر همین جهان‌شمولی و قابلیت تعمیم تأکید دارد (نک: خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۶، ص ۱۵).

تأمل و تحقیق در این مسئله از آن جهت اهمیت و ضرورت دارد که ظرفیت‌های آشکار و نهفته نهضت و قیام اباعبدالله الحسین (ع)، نیازمند واکاوی و بازپژوهی متناسب با نیازهای بشر است. تبیین این ابعاد می‌تواند به عنوان یک چراغ هدایت‌گر و الهام‌بخش، نه فقط برای مسلمانان، بلکه برای همه بشریت در مسیر تکامل و تعالی عمل کند. از پیامبر اکرم (ص) نیز نقل شده که امام حسین (ع) چراغ هدایت و کشتی نجات است (بحرانی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۵۲). آن‌گونه که از این سخن استفاده می‌شود، این ویژگی امام حسین (ع) نه فقط برای مسلمانان که برای همه بشریت است.

علاوه بر این، در عصر حاضر، ضروری است درس‌ها و آموزه‌های نهضت امام حسین (ع) با ادبیاتی متفاوت و امروزی به نسل جدید و نوحاسته منتقل شود. بر این اساس، مقاله حاضر با نگاهی نو و با رویکردی حقوق بشری به این نهضت تلاش می‌کند تا با تبیین آثار این نهضت بر اساس ادبیات حقوق بشر معاصر، علاوه بر ترویج و تقویت گفتمان حقوق بشر، به رعایت هرچه بهتر حقوق انسان‌ها در زمان ما مدد رساند. بنابراین، مقاله حاضر به دنبال یافتن پاسخ این سؤال است که رویکرد حقوق بشری به قیام و نهضت امام حسین (ع) چه آثاری به همراه دارد؟

۱. مبانی نظری، چارچوب تطبیقی حقوق بشر و رویکردهای تحلیلی به قیام امام حسین (ع)

در این قسمت ابتدا به مبانی نظری و چارچوب تطبیقی حقوق بشر پرداخته می‌شود و سپس انواع رویکردهای تحلیلی به قیام امام حسین (ع) تحلیل و بررسی خواهد شد.

۱. «إِنَّ الْحُسَيْنَ مَصْبَاحُ الْهُدَى وَ سَفِينَةُ النَّجَاةِ». دو روایت نزدیک به همین مضمون نیز از پیامبر (ص) نقل شده است: (نک: شیخ صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۶۰؛ همو، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۲۶۵).



۱.۱. مبانی نظری و چارچوب تطبیقی حقوق بشر در تحلیل قیام حسینی

تحلیل قیام امام حسین(ع) از منظر حقوق بشر، مستلزم تبیین یک چارچوب نظری تطبیقی میان دو پارادایم حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر عرفی تبیین شود. در نگاه اسلامی، حقوق بشر یا «حق الناس» ریشه در کرامت ذاتی و الهی انسان دارد و مبنای آن تکلیف و شریعت است؛ به این معنی که انسان‌ها نه تنها دارای حقوقی هستند، بلکه در قبال خدا و اجتماع، تکالیفی نیز بر عهده دارند. در مقابل، نظام حقوق بشر عرفی عمدتاً بر پایه عرف، قرارداد اجتماعی و خاستگاه فلسفی سکولار استوار است و تأکید اصلی آن بر آزادی‌های فردی و حق محوری است. بنابراین، نقاط تمایز کلیدی در این دو نظام، منبع و ماهیت حق است. منبع حق در حقوق اسلام، خداوند است، اما در حقوق عرفی، منبع آن اراده ملت یا دولت‌ها است. از سوی دیگر، از منظر ماهیت حق، اسلام به دنبال توازن میان حق و تکلیف است، در حالی که در حقوق عرفی، عنصر حق برجسته‌تر است. با این حال، با اتخاذ یک چارچوب تطبیقی مبتنی بر همگرایی اصول بنیادین، می‌توان نقطه اشتراک در این دو نظام را اصولی جهانشمول همچون عدالت، کرامت انسانی و نفی ظلم دانست. از همین منظر مشترک است که می‌توان قیام امام حسین(ع) را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. این مقاله در رویکرد حداکثری، از این نقطه اشتراک بهره می‌گیرد تا تعارض میان رویکردهای صرفاً دینی یا عرفی را به یک تفاهم انسانی تبدیل کند و آثار قیام را برای تمام بشریت استخراج نماید و قابلیت الگوگیری جهانی آن را اثبات نماید.

۲.۱. حقوق بشر و رویکردهای آن با تأکید بر قیام امام حسین(ع)

زمانی که یک رویداد از منظر حقوق بشری تحلیل می‌شود، می‌توان آن را با دو رویکرد مورد بررسی قرار داد؛ در بررسی قیام امام حسین(ع) نیز این دو رویکرد مطرح است که در این بخش تحلیل می‌شوند.

۱.۲.۱. رویکرد موردی یا جزءنگر در تحلیل قیام امام حسین(ع) از منظر حقوق بشری

تجزیه و تحلیل قیام امام حسین(ع) از منظر حقوق بشر، می‌تواند بر اساس رویکردی موردی یا جزءنگر صورت گیرد. بر اساس این رویکرد، برخی از مصادیق حقوق بشری که در این قیام نمود داشته، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد و سپس این مصادیق به عنوان آموزه‌هایی قابل الگوگیری برای انسان معاصر معرفی می‌شود. برای مثال، می‌توان بررسی کرد که آیا حق بر حیات یا حق بر تعیین سرنوشت در این قیام مصداق دارد یا خیر. همان‌گونه که مشخص است، این یک نگاه جزئی و حداقلی به این نهضت است که در آن تنها برخی از آموزه‌های حقوق بشری تحلیل و بررسی می‌شوند.

۲.۲.۱. رویکرد حداکثری یا کل‌نگر به قیام امام حسین(ع) از منظر حقوق بشری

رویکرد دوم در تحلیل نهضت حسینی از منظر حقوق بشر، نگاه کل‌نگر و جامع است. بر اساس این دیدگاه، قیام امام حسین(ع) اساساً یک نهضت کامل حقوق بشری است که برای احقاق حقوق بنیادین تزییع شده انسان‌ها صورت گرفت. در این تحلیل، با یک نگاه جامع و انسانی و به دور از نگرش صرفاً دینی یا مذهبی، مجموعه‌ای از حقوق بشری برجسته می‌شود که در تعریف عرفی، «حقوق بشر» و در ادبیات دینی، «حق الناس» نامیده می‌شوند.



از این دیدگاه، هر فردی به عنوان یک انسان کامل، عاقل و دارای دغدغه انسانی، فارغ از اینکه امام و معصوم باشد یا از سانی عادی، باید برای احقاق حقوق پایمال شده انسان‌ها قیام کند و این نهضت انسانی را به انجام برساند. یعنی هر انسان آزاده‌ای که دغدغه انسانیت داشته باشد، باید همان کاری را انجام دهد که امام حسین (ع) انجام داد. اهمیت این رویکرد به نهضت عاشورا، در نگاه فرادینی و الهام‌بخشی آن است که بر اساس آن، تمام حق‌طلبان و عدالت‌خواهان عالم، فارغ از هر دین و مذهبی، می‌توانند از آن الگو بگیرند.

با این حال سؤالی که ممکن است مطرح شود این است که آیا بر درستی این رویکرد، شواهدی وجود دارد؟ در پاسخ باید گفت می‌توان از سخنان امام حسین (ع) بر درستی این دیدگاه استناد کرد که به برخی موارد اشاره می‌شود.

اولین مستند، خطبه‌ای است که امام (ع) در سال ۵۸ هجری، یعنی حدود دو یا سه سال قبل از واقعه عاشورا، برای چند صد نفر از صحابه مشهور و تابعین و گروهی از دانشمندان مسلمان در منطقه منا ایراد کرد. ایشان در بخش اول این خطبه به تبیین جایگاه اهل بیت (ع) نزد رسول خدا (ص) می‌پردازند و در بخش دوم و سوم، علاوه بر دعوت به امر به معروف و نهی از منکر و تأکید بر اهمیت این وظیفه اسلامی، وظیفه علما و لزوم قیام آنان در مقابل ستمگران و مفسد آنان را یادآوری و نیز مضرات سکوت عالمان و آثار زیانبار و خطرناک سهل‌انگاری از انجام این وظیفه بزرگ الهی را به آنان گوشزد می‌کند و در ادامه، علمای مسلمان را مورد خطاب و عتاب قرار می‌دهد و می‌فرماید که مردم شما را به علم و دانش و نیکی و خیرخواهی می‌شناسند و به شما اعتماد و اطمینان دارند و سخن شما را می‌پذیرند اما با سکوت خود، موجب نقض احکام الهی و تضييع حقوق انسان‌ها به ویژه حقوق ضعیفان جامعه شده‌اید^(نک: ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۳۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۵، ص ۱۷۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۷، ص ۱۷۹).

این خطبه نشان می‌دهد نگاه امام (ع)، ریشه در یک درک عمیق از عدالت اجتماعی و حقوق بنیادین انسان‌ها دارد. در این خطبه، امام (ع) مستقیماً به موضوع «تضييع حقوق انسان‌ها»، به ویژه «حقوق ضعیفان جامعه»، توسط حاکمان ستمگر و سکوت عالمان اشاره دارد و این عمل را بزرگترین منکر معرفی می‌کند و وظیفه مبارزه با آن را بر عهده نخبگان (عالمان) جامعه قرار می‌دهد و قیام و اقدام را وظیفه عالمان دین می‌داند و از آن‌ها می‌خواهد به وظیفه خود عمل کنند؛ لذا همان‌گونه که از کلام امام (ع) استفاده می‌شود غیر از آن حضرت، افراد دیگر هم می‌توانستند به مقابله با ظلم یزید برخیزند اما این کار را نکردند و اقدامی انجام ندادند و در نتیجه امام (ع) قیام را وظیفه و تکلیف خود دانست و به آن اقدام کرد.

۱. «ذَلِكَ أَنْ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ دُعَاءٌ إِلَى الْإِسْلَامِ مَعَ رَدِّ الْمَظَالِمِ وَمُخَالَفَةِ الظَّالِمِ وَقِسْمَةِ الْفِيءِ وَالْغَنَائِمِ وَأَخْذِ الصَّدَقَاتِ مِنْ مَوَاضِعِهَا وَوَضْعِهَا فِي حَقِّهَا...»
۲. «ثُمَّ أَنْتُمْ أَيُّهَا الْعِصَابَةُ عَصَابَةُ الْعِلْمِ مَشْهُورَةٌ وَبِالْخَيْرِ مَذْكُورَةٌ وَبِالنَّصِيحَةِ مَعْرُوفَةٌ... فَأَمَّا حَقَّ الضُّعْفَاءِ فَضَيَعْتُمْ...»



مستند دوم، خطبه‌ای است که آن حضرت در یکی از منازل بین راه، زمانی که با سپاه حر بن یزید ریاحی مواجه شد، ایراد کرد. امام(ع) در این خطبه می‌فرماید: «ای مردم، پیامبر خدا(ص) فرمود: کسی که حاکم ستمکاری را که حرام خدا را حلال بداند، عهد و پیمان خدا را بشکند، مخالف سنت رسول خدا باشد، در میان مردم با گناه و عدوان (ظلم) رفتار نماید، ببیند اما گفتار و رفتار خود را تغییر ندهد (و اقدامی علیه او نکند) خداوند حق دارد که (در قیامت) وی را هم در جایگاهی نظیر جایگاه او (حاکم ظالم) داخل کند» (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۵، ص ۴۰۳؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۴، ص ۴۸).

دو نکته در این خطبه قابل توجه است؛ اولاً امام(ع) در این خطبه، خطاب «أَيُّهَا النَّاسُ» را به کار می‌برد که همه انسان‌ها را در بر می‌گیرد و نه فقط مسلمانان را، ثانیاً عبارت «مَنْ رَأَى» را به کار می‌برد؛ یعنی قیام و مبارزه علیه حاکم جائر و ظالم که امروزه می‌توان از آن به حق بر مقاومت یاد کرد، فقط وظیفه معصوم یا فرد خاصی نیست بلکه «هر کس این وضعیت را مشاهده کند»، وظیفه مبارزه و قیام دارد؛ لذا این خطاب فقط متوجه آن عده همراهان و مؤمنین هم نیست؛ بلکه خطابشان به همه مردم هست (ناس)؛ به عبارت دیگر، این خطاب به ما و همه بشریت در طول تاریخ است و نه فقط در یک زمان خاص (نک: خامنه‌ای، ۱۳۹۸).

بر اساس رویکرد حداکثری (کل نگر)، ارزش‌های غایی قیام امام حسین(ع)، که شامل احیای عدالت و کرامت انسانی است، دستور شخصی (حکم خاص) برای ایشان نبوده است؛ بلکه مصداق یک قاعده حقوقی و انسانی جهان شمول است. لذا، این حرکت، بیانگر یک تکلیف فراگیر برای هر انسان آگاه پای‌بند به شریعت یا انسانیت است. بنابراین، این الگو در احیای حقوق بنیادین، قابل تعمیم، اقتدا و اعمال برای تمامی انسان‌های آزاده در طول تاریخ و فارغ از هرگونه ویژگی عارضی است.

۲. مهم‌ترین آثار رویکرد حقوق بشری به قیام امام حسین(ع)

در این بخش، با تأکید بر رویکرد حداکثری و کل نگر به نهضت امام حسین(ع)، مهم‌ترین آموزه‌ها و رهیافت‌های حقوق بشری این قیام در جنبه‌های مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند.

۲.۱. تأکید فراوان بر رعایت کرامت و منزلت انسانی و احترام به آن

از «کرامت انسانی»^۳ در حوزه مباحث حقوق بشری از دو جنبه می‌توان بحث کرد: اولاً، خود کرامت انسانی به عنوان یک حق بشری مطرح است (هاشمی، ۱۳۹۱، ص ۸۲؛ عباسی، ۱۳۹۵، ص ۸۵) و ثانیاً، می‌تواند مبنایی برای سایر حقوق بشر باشد و برای شنا سایی حق‌ها از آن مدد گرفت (Conde, 2002, P.109). آنچه در ادبیات حقوق بشری از کرامت انسانی مدنظر است، معنایی است که واجد آثار حقوقی و اخلاقی است؛ بدین معنا که همه انسان‌ها در هر حال و موقعیتی که باشند سزاوار و شایسته احترام‌اند و حیثیت انسانی آنان باید از تعرض، مصون و محفوظ بماند (فیروزی، ۱۳۸۵، ص ۲۵).

۱. در برخی مصادر عبارات این خطبه به عنوان بخشی از نامه امام حسین(ع) به کوفیان پس از ورود به سرزمین کربلا بیان شده است (نک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴ ص ۳۸۱).

۲. «أَيُّهَا النَّاسُ؛ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ: مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَجِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ، نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ، مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، يَعْمَلُ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ فَلَمْ يُغَيِّرْ عَلَيْهِ يَفْعَلْ وَلَا قَوْل، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَهُ مَدْخَلُهُ».

^۳Human Dignity



در آموزه‌های اسلامی نیز احترام به انسان و کرامت و منزلت والای او مورد تأکید فراوان است. آیات قرآن کریم و روایات و سیره پیشوایان دینی بر این مسئله دلالت دارد (نک: فیروزی، ۱۳۸۵، ص ۴۴-۷۲). نکته جالب توجه در آموزه‌های اسلامی آن است که هر انسانی علاوه بر این که مکلف است حرمت و کرامت دیگران را پاس بدارد، مکلف است از کرامت خویش نیز پاسداری نماید (قربان‌نیا، ۱۳۸۷، ص ۱۰۸) که این امر یکی از برجسته‌ترین آموزه‌های حقوق بشری قیام اباعبدالله الحسین (ع) است. تأکید فراوان بر احترام به کرامت و منزلت انسانی در این نهضت به گونه‌ای است که می‌توان گفت برافراشته شدن علم و پرچم حرمت و کرامت انسان یکی از ویژگی‌های بارز و شاخص قیام امام حسین (ع) است.

روشن است که کرامت انسان‌ها هنگامی حفظ می‌شود که تحقیر نشوند، ابزار دیگران قرار نگیرند، حق انتخاب و اراده آزاد آنان سلب نشود. این امور در سخنان آن حضرت از ابتدای قیام تا عصر عاشورا برجسته است. وقتی امام (ع) برای بیعت با یزید تحت فشار قرار می‌گیرد و حق انتخاب و اراده آزاد او نادیده انگاشته می‌شود، سخنانی را بیان می‌کند که نشان می‌دهد عزت، حرمت و کرامت یک انسان به او اجازه نمی‌دهد که برای چند روز بیش‌تر زنده ماندن، از روی اجبار و بر خلاف میل باطنی و بر خلاف حق، دست بیعت به فردی همانند یزید بدهد؛ چرا که بیعت با یزید به معنای نادیده گرفتن حق و عدالت و تأیید ظالم و تمام ظلم‌هایی است که در حق مردم روا داشته شده است. لذا امام (ع) بارها به این نکته اشاره می‌کند که: «به خدا سوگند، نه دست ذلت و خواری به شما می‌دهم و نه چونان بردگان می‌گریزم» (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۹۸؛ طبرسی، ۱۳۹۰ق، ص ۲۴۲).

آن حضرت در جای دیگر نیز تصریح می‌کند که مرگ با عزت را بر زندگی با ذلت ترجیح می‌دهد و هرگز زیر بار ذلت نمی‌رود (سید ابن طاووس، بی‌تا، ص ۹۷)؛ بر این مبنا می‌فرماید: «به راستی که من مرگ آزادمنشانه را جز سعادت و نیک‌بختی و زیستن با بیدادگران را جز تحمل حقارت و نگون ساری نمی‌نگرم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ص ۳۸۱). همچنین امام (ع) ضرورت حفظ حرمت و کرامت دیگران در برابر حکومت ظالم را یادآوری می‌کند و می‌فرماید: «هرگز شخصی همانند من، با فردی همانند یزید بیعت نخواهد کرد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ص ۳۲۵؛ سید ابن طاووس، بی‌تا، ص ۲۳).

نکته بسیار مهمی که از کلام امام (ع) استفاده می‌شود آن است که اولاً امام نمی‌فرماید «لا اُباع، من بیعت نمی‌کنم» بلکه می‌فرماید «هر کس مانند من باشد با مثل او بیعت نمی‌کند»؛ یعنی هر کس اندیشه و تفکر حسینی داشته باشد با هر جریانی مثل حکومت ظالم یزید که در هر عصر و زمانی ممکن است به وجود آید، کنار نمی‌آید که این کلام بیان‌گر یک آموزه مهم و اصل و قاعده کلی است که احترام به حرمت و کرامت انسان‌ها مشمول مرور زمان نمی‌شود؛ ثانیاً ضرورت حفظ عزت، حرمت و کرامت انسانی یک قضیه شخصیه یا خارجی نیست که فقط مخصوص امام (ع) یا شخص خاصی باشد؛ بلکه یک قضیه حقیقه است که ضروری است همه

۱. «وَاللّٰهُ لَا يُعْطِيْكُمْ بِيَدِيْ اِعْطَاءَ الدَّلِيْلِ وَلَا اَفْرَ فِرَارَ الْعَبِيْدِ».

۲. «اَلَا وَ اِنَّ الدَّعِيَّ اِبْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اَثْنَتَيْنِ بَيْنَ السَّلَّةِ وَ الدَّلَّةِ وَ هِيْهَاتَ مِّنَّا الدَّلَّةُ».

۳. «فَاِنِّيْ لَا اَرَى الْمَوْتَ اِلَّا سَعَادَةً وَ الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِيْنَ اِلَّا بَرْمًا».

۴. «وَ مِثْلِيْ لَا يُبَاعِعُ لِمِثْلِهِ (مِثْلُهُ)».



انسان‌ها کرامت و حرمت خود را، هرچند در مقابل حکومت ظالم، پاس دارند و این آموزه‌ای بنیادین از قیام امام حسین(ع) برای تمام بشریت در تمام زمان‌ها است.

مصدق دیگر رعایت حرمت و کرامت انسانی نحوه مواجهه امام(ع) با سپاهیان حر بن یزید ریاحی بعد از گذراندن راه طولانی از مدینه به سوی کوفه در مکانی بیابانی است. گرمای هوا و کمبود آب در آن منطقه هر کس را در اندیشه حفظ آب می‌انداخت؛ در این حالت سپاهیان حر با حالت تشنگی شدید با سپاه امام(ع) مواجه شدند. این زمان بهترین زمان برای جنگ با دشمن و نابودی او بود اما به گواهی تاریخ، امام حسین(ع) دستور داد سپاهیان تشنه حر را سیراب کنند و حتی فرمود که چهارپایان آنان را نیز سیراب کنید. آنچه که این زیبایی حرکت امام را برجسته می‌کند، آن است که امام حسین(ع) حتی با دست خود به سپاهیان تشنه حر آب دادند (نک: شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۷۸).

رفتار انسانی امام حسین(ع) در آب دادن به سپاهیان تشنه دشمن، فراتر از یک اقدام اخلاقی، نشانگر روح والای ایشان و بیانگر این اصل فراحقوقی است که «کرامت ذاتی انسان»^۱ حتی در شرایط جنگی نیز باید رعایت شود. این عمل، الگویی است که تأکید می‌کند تعامل با همه انسان‌ها، فارغ از ویژگی‌های عارضی، باید بر مدار کرامت انسانی باشد و همین اصل مبنای اسناد مهم حقوق بشری معاصر قرار گرفته است.

۲.۲. تأکید بر رعایت عدالت و رفتار عادلانه با انسان‌ها و ممنوعیت نقض آن

بی‌تردید، عدالت را باید یکی از دشوارترین و پیچیده‌ترین مفاهیم دانست که هم از حیث نظری و هم از بعد تحقق عملی آن، با دشواری فراوان همراه است (نک: سیدفاطمی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۸۱)، و در پاسخ به هیچ سؤالی این همه سعی وافر توسط متفکرین بزرگ صورت نگرفته است. از افلاطون تا کانت همه تلاش کرده، ولی هنوز بدرستی، پاسخی در خور نیافته‌اند (Kelsen, P.1, ۱۹۵۷).

در اسناد حقوق بشری تعریفی از «عدالت» ارائه نشده است اما تعبیر، مفاهیم و مصادیقی برای آن ذکر شده است که در فارسی به «برابری و مساوات»،^۲ «از صاف»،^۳ «عدم تبعیض»^۴ و مانند آن ترجمه شده است. اندیشمندان و فلاسفه تعریف‌های گوناگونی از عدالت بیان کرده‌اند (نک: ها شمی، ۱۳۹۱، ص ۷۹-۸۱) اما در میان اندیشمندان مسلمان، در بیان معنای عدالت، دو تعریف بیش از همه مورد توجه قرار گرفته است؛ اول «وضع الشيء فی موضعه»^۵ و دوم «اعطاء کل ذی حق حقه»^۶ که در تمام کاربردهای عدالت حداقل یکی از این دو تعریف صحیح می‌باشد. البته به نظر می‌رسد همان‌گونه که برخی گفته‌اند، می‌توان بین این دو تعریف جمع

۱ Inherent Human Dignity.

۲ Justice.

۳ Equally/ Equality.

۴ Equity/ Ex Aequo Et Bono.

۵ Non-discrimination.

۶ برگرفته از روایت امام علی(ع) که فرمود: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا؛ عدل امور را در جایگاه خودش قرار می‌دهد» (نهج البلاغه، کلمات قصار ۴۳۷).

۷ «عدل یعنی دادن حق به صاحب حق»؛ بسیاری از فقیهان و مفسران و اندیشمندان، عدالت را به این معنی دانسته‌اند (نک: خوانساری، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۴۲۷؛ وحید بهبهانی، ۱۴۲۶ق، ص ۲۴؛ منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۸۹؛ طباطبایی، ۱۳۹۴ق، ج ۱، ص ۳۷۴؛ مطهری، ۱۳۵۲، ص ۱۶).



نمود؛ با این تو ضیح که هرگاه حق هر ذی‌حقی داده شود، هر چیز در جای خود نیز قرار می‌گیرد؛ زیرا معنای اصلی عدالت، اقامه مساوات میان امور است به این معنا که به هر امری آنچه سزاوار آن است، داده شود تا همه امور مساوی شود و هر یک در جای واقعی خود که مستحق آن است، قرار گیرد (طباطبایی، ۱۳۹۴ق، ج ۱۲، ص ۳۳۲). نقطه مقابل عدالت نیز ظلم و جور است (خلیل بن احمد فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۹) که در فرض عدم رعایت استحقاق‌ها ظهور و بروز می‌کند.

عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی و مقابله با حاکم جائز و ستمکار یکی از آموزه‌های کانونی حقوق بشری قیام امام حسین (ع) است. منطق حسینی بر این اصل استوار است که سکوت و بی‌تفاوتی انسان در برابر ستم و ستمگر، در حکم همدستی و معاونت با ظالم است به همین دلیل، امام (ع) مردم را از سکوت در مقابل ظلمی که به صورت نظام‌مند توسط حاکمان اموی صورت می‌گیرد، برحذر می‌دارد و بر اساس کلام پیامبر خدا (ص) به مسئولیت حقوقی عموم افراد در این باره اشاره و می‌فرماید: «ای مردم، پیامبر خدا (ص) فرمود: اگر کسی که حاکم ستمکاری را ببیند که حرام خدا را حلال بداند، عهد و پیمان خدا را بشکند، مخالف سنت رسول خدا باشد، در میان مردم با گناه و عدوان (ظلم) رفتار نماید، اما گفتار و رفتار خود را تغییر ندهد (و اقدامی علیه او نکند) خداوند حق دارد که (در قیامت) او را هم در جایگاهی نظیر جایگاه او (حاکم ظالم) داخل کند» (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۵، ص ۴۰۳؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۴، ص ۴۸).^۱

نکته مهم در این باره آن است که همان‌گونه که امام حسین (ع) که در گفتار و خطابه بر رعایت عدالت و ضرورت رفتار عادلانه با انسان‌ها و مقابله با ظلم و ستم تأکید دارد، با قیام و نهضت و نثار جان خود و عزیزانش نیز این اصل را به منصف ظهور رساند. از آنجا که عدالت یکی از اصول بنیادین اسلام است و نمی‌توان در هیچ شرایطی از آن صرف نظر کرد، قیام اباعبدالله الحسین (ع) الگویی مناسب برای کسانی است که در راستای احیا و تحقق عدالت و ایستادگی در برابر ظلم و بی‌عدالتی تلاش می‌کنند. به همین سبب، امروزه قیام عاشورا به عنوان الگو و سرمشق مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی، مورد توجه حق‌طلبان عالم قرار گرفته است که نمونه اخیر آن را می‌توان در اظهارات شهید یحیی السنوار، فرمانده میدانی حماس در غزه، که بعد از شهادت اسماعیل هنیه به ریاست دفتر سیاسی حماس منصوب شد، مشاهده کرد. وی معتقد بود که نبرد غزه تداوم عاشورا و مسیری است که امام حسین (ع) در کربلا بنا گذاشت. او همچنین نوشته است: «باید در همان مسیری که شروع کرده‌ایم پیش برویم. یا بگذار کربلای جدیدی باشد» (روزنامه آمریکایی «وال استریت ژورنال»، به نقل از: isna.ir/xdRhP3).

بر همین اساس، یحیی السنوار مردانه و با اراده استوار و عاشورایی خود در دفاع از حقوق پامال شده ملت فلسطین، تا آخرین نفس در برابر ظلم و اشغالگری رژیم صهیونیستی ایستادگی و مقاومت کرد و با شهادت قهرمانانه، حماسی و جریان‌ساز خود در معرکه غزه، عملاً نشان داد مسیر نورانی عدالت‌طلبی و ظلم‌ستیزی که امام حسین (ع) چهارده قرن پیش با شهادت خویش در مقابل

۱. أَيُّهَا النَّاسُ؛ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ: مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ، نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ، مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، يَعْمَلُ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ فَلَمْ يُغَيِّرْ عَلَيْهِ بِفِعْلٍ وَلَا قَوْلٍ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ مَذْحَلَهُ.



بشریت نهاد، امروز نیز به مثابه آموزه‌ای جاودانه برای مبارزه با ظلم و ستم و بی‌عدالتی و احقاق حقوق پایمال شده انسان‌ها به‌ویژه مظلومین قابل اقتدا و الگوگیری است.

۲,۳. تأکید بر حق حیات افراد و ممنوعیت نقض آن

بی‌تردید «حق بر حیات»^۱ را باید اولین و مهم‌ترین و بنیادی‌ترین حق فطری و الهی و مدنی انسان دانست که هر انسانی از آن جهت که انسان است، از آن برخوردار است. این حق که هدیه و موهبتی خدادادی است، بر دیگر حقوق بشر، مقدم و مبنا و پایه و اساس سایر حق‌های بشری است (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۹۴، ص ۲۹). اهمیت این حق از دیدگاه اسلام از آن جهت است که حفظ سایر حقوق نیز در پرتو همین حق امکان‌پذیر است (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۹، ص ۵۸۷). به عبارت دیگر، در پرتو چنین حقی است که سخن از حق‌های دیگر برای انسان، معنا و مفهوم پیدا می‌کند. انسان فاقد حیات، فاقد شعور و عقل و اختیار است. آزادی و مالکیت برای انسان زنده معنا دارد و انسان مرده نه مالک است و نه صاحب اراده و اختیار (سیدفاطمی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۳۷). بر همین اساس، از منظر اسلام، علاوه بر این‌که هرگونه تعرض به حق دیگران بر حیات و سلب آن بدون مجوز شرعی و قانونی ممنوع است،^۲ حتی هیچ انسانی مجاز به سلب حیات خویش نیز نمی‌باشد.^۳

غالب اسناد بین‌المللی حقوق بشر، از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۳ و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی در ماده ۶ و اعلامیه اسلامی حقوق بشر در ماده ۲ بر این حق تصریح و دولت‌ها را مکلف کرده‌اند تمهیداتی را در جهت حمایت از حق حیات تمام شهروندان اتخاذ نمایند.

اهمیت این حق از منظر امام حسین(ع) تا جایی است که یکی از دلایل قیام خود و عدم بیعت با یزید و مقابله با او را حفاظت و حمایت از حق افراد بر حیات و زندگی و مقابله با نقض آن می‌داند؛ امام(ع) در خطبه‌ای به این نکته اشاره می‌کند که یزید حق حیات افراد را بی‌دلیل نقض می‌کند. ایشان به والی مدینه که از او خواستار بیعت با یزید بود، می‌فرماید: «یزید مردی است... قاتل بی‌گناهان؛ او کسی است که آشکارا مرتکب فسق و فجور می‌شود. بنابراین، هرگز شخصی همانند من، با فردی همانند وی بیعت نخواهد کرد»^۴ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۴، ص ۳۲۵؛ سید ابن طاووس، بی‌تا، ص ۲۳).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، امام(ع) سلب حق حیات افراد بی‌گناه و جلوگیری از نقض این حق توسط یزید را یکی از دلایل قیام خود معرفی می‌کند. البته باید به دو نکته توجه داشت؛ نکته اول همان‌گونه که از مفهوم کلام امام(ع) استفاده می‌شود حق بر حیات مطلق نیست بلکه دو مورد استثناء بر این قاعده کلی وجود دارد که قرآن کریم در آیه ۳۲ سوره مائده به آن اشاره کرده است: یکی سلب حیات از دیگری به ناحق، و دیگری فساد در زمین.^۵ اما همان‌گونه که امام(ع) اشاره می‌کند، یزید خون بی‌گناهان را بر

۱. Right to Life.

۲. «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ». سوره اسراء (۱۷)، آیه ۳۳.

۳. «...وَلَا تَلْفُوا بِأیدیْكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ...». سوره بقره (۲)، آیه ۱۹۵؛ «...وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ...». سوره نساء (۵)، آیه ۲۹.

۴. «يَزِيدُ رَجُلًا... قَاتِلَ النَّفْسِ الْمُحَرَّمَةِ، مُعْلِنًا بِالْفِسْقِ، وَ مِثْلِي لَا يُبَاعِعُ لِمِثْلِهِ (مِثْلَهُ)».

۵. «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ...». سوره مائده (۵)، آیه ۳۲.



زمین می‌ریخت نه افراد دیگر را. تا جایی که لشگریانش در روز عاشورا حتی به کودک شیرخوار هم رحم نکرده و او را به شهادت رساندند، امری که در هیچ نظام حقوقی و هیچ مکتبی پذیرفتنی نیست.

نکته دوم، گرچه در حمایت از حق بر حیات، آن‌گونه که در اسناد بین‌المللی نیز آمده است، تفسیر مادی از آن یعنی حفظ النفس، مطرح است که درست هم هست اما به نظر می‌رسد این تفسیر، تفسیر حداقلی و مضیق از آن است؛ زیرا از منظر اسلامی، حق بر حیات، فقط حق بر حیات مادی را شامل نمی‌شود بلکه حق بر حیات و زندگی معنوی را هم شامل می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۵-۱۷۷) که حکومت بنی‌امیه و معاویه و یزید علاوه بر نقض حیات مادی افراد، با گمراه سازی و به انحراف کشیدن جامعه، حق حیات معنوی در جامعه اسلامی را نیز نابود کرده بودند و امام برای احیای آن نیز قیام کرد.

۲.۴. توجه به حق بر تعیین سرنوشت و انتخاب آزادانه انسان‌ها

«حق بر تعیین سرنوشت» آئینه تمام‌نمای آزادی و اراده انسان است و به عنوان یک اصل مهم و بنیادین حقوق بشری و به مثابه یک «قاعده آمره»^۱ و «تعهد عام‌الشمول»^۲ جایگاه و موقعیت ویژه و ممتازی در ادبیات حقوق بشری دارد (عباسی، ۱۳۹۵، ص ۴۲۸-۴۲۹)؛ به‌گونه‌ای که شاید نتوان هیچ اصل و قاعده‌ای را در حقوق بین‌الملل، همچون حق بر تعیین سرنوشت یافت که این‌گونه، مورد پذیرش عمومی قرار گرفته باشد؛ در حالی که هنوز مفهوم و محتوای این حق، دارای ابهاماتی است (See: Hannum, 1996, P. 27).

از منظر اسلامی این حق، یک حقی طبیعی و خدادادی است که بر اساس آن، هر فرد و ملتی حق دارد سرنوشت خود را تعیین نماید؛ زیرا خداوند انسان‌ها را موجوداتی مختار و دارای اراده آزاد آفریده است و آن‌ها در تعیین مسیر زندگی و سرنوشت خود، آزاد و صاحب اراده و اختیار هستند (نک: امامی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۴-۱۲۹).

یکی از جلوه‌های مهم و زیبای حقوق بشری در نهضت امام حسین (ع) تأکید مکرر آن حضرت بر حق افراد بر تعیین سرنوشت و انتخاب آزادانه و آگاهانه است. با وجود آن‌که اصحاب ایشان در بیعت آن حضرت بودند و می‌بایست آن حضرت را تا پایان همراهی کنند، منابع معتبر تاریخی گزارش می‌دهند که امام (ع) در چند موقعیت مختلف، از ابتدای حرکت از مدینه تا شب عاشورا، بیعت خود را از آنان برداشت و آنان را در انتخاب مسیر آزاد گذاشت. نخستین بار پس از رسیدن خبر تأثرانگیز شهادت مسلم بن عقیل بود؛ امام (ع) اصحاب خود را گرد آورد و به آنان یادآور شد که بیعتش را از آنان برداشته است و هر کس می‌خواهد، آزادانه می‌تواند برگردد^۳ (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۵، ص ۳۹۸، امین عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۵۹۵) که در پی این اعلام، عده‌ای از یاران حضرت جدا شدند.

۱ The Right to Self-Determination.

۲ Jus Cogens.

۳ Erga Omens.

۴ «فَأَنَّهُ قَدْ أَنَانِي خَيْرَ فَطِيحٍ؛ قَتْلُ مُسْلِمِ بْنِ عَقِيلٍ وَ هَانِي بْنِ عُرْوَةَ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَقْطَرٍ وَ قَدْ خَذَلْنَا شِيعَتَنَا. فَمَنْ أَحَبَّ مِنْكُمْ الْإِنْصَافَ فَلْيَنْصِرْ فِي غَيْرِ حَرْجٍ لَيْسَ عَلَيْهِ ذِمَامٌ».



بار دیگر، شب عاشورا است که حضرت همه اصحاب خود را جمع کرد و فرمود: «من یارانی باوفا تر و بهتر از یاران خود سراغ ندارم و خاندانی نیکوتر و مهربان تر از خاندان خود ندیده‌ام»، و سپس با اعلام این که اگر در کربلا بمانند به شهادت می‌رسند، بیعت خود را از آنان برداشت و آنان را در انتخاب مسیر زندگی خود آزاد گذاشت و فرمود: «به همه شما اذن رفتن می‌دهم، پس همه آزادید که بروید و بیعتی از من بر گردن شما نیست» (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۵، ص ۴۱۸؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۴، ص ۵۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ص ۳۹۲-۳۹۳). حتی در روز عاشورا نیز وقتی غلامش «جون بن حری» اجازه جنگیدن گرفت، امام(ع) در پاسخ به او فرمود: «من بیعت خود را از تو برداشتم و آزاد هستی چرا که تو به امید آسایش با ما آمدی پس در راه ما خود را به مصیبت مبتلا نکن» (سیدابن طاووس، بی تا، ص ۱۰۸) اما جون در پاسخ امام(ع) سوگند یاد کرد که هرگز از امام(ع) جدا نخواهد شد.

همان گونه که ملاحظه می‌شود اقدام امام حسین(ع) به برداشتن بیعت از یاران، بیانگر تعهد ایشان به حق بنیادین تعیین سرنوشت است هدف این آزادی و اختیار کامل، تضمین انتخاب آزادانه و آگاهانه مسیر زندگی و سرنوشت توسط خود افراد بود تا از هرگونه اقدام برآمده از اکراه، اجبار یا ناآگاهی در همراهی با ایشان جلوگیری شود؛ زیرا آنچه برای امام(ع) اهمیت داشت این بود که یارانش با اراده و انتخاب آزادانه و آگاهانه خود این مسیر و سرنوشت را انتخاب نمایند.

این سیره، یک استدلال عملی را در نظام حقوقی اسلام تثبیت می‌کند: حق انتخاب و کرامت انسانی، حتی بر مصالح نظامی و حفظ جان امام مقدم است. از منظر حقوقی، این رفتار بنیادی محکم برای تفکیک میان اراده آزاد و اجبار فراهم می‌آورد و عدم سلب اراده را به عنوان یک اصل بنیادین در شرایط بحرانی، ترویج می‌کند. این اصل، الگو و تبیینی عملی از «اختیار» انسانی از منظر اسلامی است که امروزه در اسناد حقوق بین الملل به عنوان یک اصل فراگیر مورد تأکید است.

با این حال، آن گونه که در تاریخ آمده است دیگر کسی از امام جدا نشد و همه هم دل و هم صدا با آگاهی کامل از آنچه برای آنان رخ خواهد داد، اعلام وفاداری کردند و در کنار امام(ع) تا پای جان باقی ماندند. بنابراین، آنان که رفتند و جدا شدند، آزادانه و آگاهانه سرنوشت خود را انتخاب کردند و آنان که ماندند هم آزادانه و آگاهانه ماندند و امام(ع) کسی را الزام به این کار نکرد در حالی که همه آنها در بیعت او بودند.

نکته مهم و جالب توجه دیگر در موضوع حق تعیین سرنوشت و حق انتخاب آزادانه افراد در نهضت عاشورا آن است که امام(ع) با ایراد چندین خطبه برای سپاه دشمن و اتمام حجت با آنان، تلاش فراوان کردند حتی آنان هم اگر می‌خواهند با امام(ع) بجنگند، بدانند با چه کسی و در چه شرایطی می‌جنگند تا این جنگ از روی آگاهی و شناخت باشد و بعداً کسی ادعا نکند که از روی عدم معرفت و شناخت با امام(ع) جنگیده است.

۲.۵. توجه دادن به رعایت حق الناس و حرمت اموال و حق مالکیت افراد

۱. «إِنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَاباً أَوْلَىٰ وَلَا خَيْرًا مِنْ أَصْحَابِي، وَلَا أَهْلَ بَيْتِ آبٍ وَلَا أَوْصَالَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي... أَلَا وَإِنِّي قَدْ أَذْنْتُ لَكُمْ، فَانْطَلِقُوا جَمِيعاً فِي حِلٍّ، لَيْسَ عَلَيْكُمْ مِنِّي ذِمَامٌ».
۲. «أَنْتَ فِي إِذْنِ مِنِّي، فَإِنَّمَا تَبِعْتَنَا طَلَبًا لِلْعَافِيَةِ فَلَا تَبْتَلُ بِطَرِيقِنَا».



یکی از اموری که تأکید فراوانی در اسلام در باره آن شده، لزوم احترام و رعایت حقوق دیگران از یک سو و حرمت و ممنوعیت تجاوز به آن از سوی دیگر است. در معارف دینی از حقوق انسان‌ها تحت عنوان «حق الناس» یاد شده است که حق همه افراد بشر اعم از مسلمان و غیر مسلمان را شامل می‌شود. سلب، انکار و تضییع حق الناس نیز، مصداق بارز ظلم و ستم محسوب شده است و ظلم نیز به ضایع کردن و اداء نکردن حقی، خواه در باره خود باشد یا دیگران یا خداوند متعال؛ از حقوق مادی باشد یا معنوی یا الهی معنا شده است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۷، ص ۱۷۱) که این امر دارای آثار و پیامدهای نامطلوب دنیوی و اخروی است و از گناهی محسوب می‌شود که حتی خداوند نیز از آن نخواهد گذشت (نک: نهج البلاغه، نامه ۵۳). با این حال، مصداق تام حق الناس نزد عامه مردم، حقوق مالی و حق مالکیت افراد بر اموال و دارایی آنان است که تأکید و توجه به این حق مانند سایر حق‌ها در نهضت حسینی از برجستگی خاصی برخوردار است.

به گواهی تاریخ، کاروان امام حسین (ع) در روز دوم محرم وارد سرزمین کربلا شد و ایشان و اصحابش در آنجا مستقر گشتند؛ همزمان، عمر بن سعد نیز با لشکریان خود به این منطقه رسید. یکی از رویدادهای مهم روز سوم، اقدام امام حسین (ع) به خرید محدوده مشخصی از زمین کربلا بود. البته آن حضرت زمین خریداری شده را دوباره در اختیار صاحبان قبلی قرار داد و شرط کرد که آنان نسبت به زوار آن حضرت احترام کنند و میزبان شایسته‌ای برای آنان باشند (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۴۶۱).

آنچه از این نقل تاریخی برداشت می‌شود، اهمیت و ضرورت رعایت «حق الناس» از جمله حقوق مالی افراد است؛ به عبارت دیگر، امام حسین (ع) حاضر نبودند تا در زمینی که متعلق به دیگران است، خیمه‌ای برپا کنند و خون مطهرشان در آن ریخته شود و بعد از آن زائرانش مجبور شوند برای زیارت قبر آن حضرت، از زمینی که متعلق به دیگران بود، عبور کرده و حق آنان را پایمال کنند. این اقدام، یعنی خرید زمین و سپس واگذاری مشروط آن به مالکان، به وضوح اهمیت و لزوم رعایت «حق الناس» در زندگی فردی و اجتماعی و لزوم پرهیز مطلق از تجاوز به حقوق دیگران را به‌عنوان یک الگوی حقوقی بنیادین گوشزد می‌کند.

علاوه بر این، امام (ع) در روز عاشورا نیز بر رعایت و اهمیت حق الناس و حقوق مالی افراد تأکید کرد و بیان داشت اگر کسی حقی به گردن دارد با ایشان همراه نشود. موسی بن عمیر از پدرش نقل می‌کند که امام (ع) در روز عاشورا به من فرمود: (میان همه یارانم) اعلام کن هر کس دینی بر عهده دارد با من کشته نشود؛ زیرا که من از رسول خدا (ص) شنیدم فرمود: «هر کس از دنیا برود و دینی بر دمه داشته باشد، از حسنات وی در فردای قیامت برداشته می‌شود» (مرعشی تستری، ۱۴۰۹، ق، ۱۹، ص ۴۲۹).

از سوی دیگر، امام حسین (ع) در خطبه معروف خود در منطقه منا، صیانت از حقوق مردم و بیت‌المال را یکی از اهداف قیام خود بیان می‌کند که بنی‌امیه و پیروان آنها به ناحق این اموال را صرف منافع و امیال شخصی خود می‌کردند. ایشان در این باره به

۱. «مَنْ ظَلَمَ عِبَادَ اللَّهِ كَانَ اللَّهُ خَصْمَهُ دُونَ عِبَادِهِ وَ مَنْ خَاصَمَهُ اللَّهُ أَدْحَضَ حُجَّتَهُ وَ كَانَ لِلَّهِ حَرْبًا حَتَّى يَنْزِعَ أَوْ يَتُوبَ وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَدْعَى إِلَى تَغْيِيرِ نِعْمَةِ اللَّهِ وَ تَجْزِيلِ نِعْمَتِهِ مِنْ إِفَامَةٍ عَلَى ظُلْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ دَعْوَةَ الْمُضْطَّهِدِينَ وَ هُوَ لِلظَّالِمِينَ بِالْمِرْصَادِ».

۲. «رَوَى أَنَّ الْحُسَيْنَ (ع) اشْتَرَى التَّوَاحِيَّ الَّتِي فِيهَا قَبْرُهُ مِنْ أَهْلِ تَيْبُوْتِ وَ الْغَاصِرِيَّةِ بِسِتِّينَ أَلْفِ دَرْهَمٍ وَ تَصَدَّقَ بِهَا عَلَيْهِمْ وَ شَرَطَ أَنْ يُرْشِدُوا إِلَى قَبْرِهِ وَ يُضَيِّقُوا مِنْ زَارِهِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ».

۳. «نَادَى أَنْ لَا يَقْتُلَ مَعِيَ رَجُلٌ عَلَيْهِ دَيْنٌ وَ نَادَى بِهَا فِي الْمَوَالِي فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ: مَنْ مَاتَ وَ عَلَيْهِ دَيْنٌ أَخَذَ مِنْ حَسَنَاتِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».



مردم یادآوری می‌کند که بنی‌امیه و اتباع آن‌ها حدود الهی را تعطیل کرده‌اند و اموال مردم و بیت‌المال را به خود اختصاص داده‌اند^۱ (نک: ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۳۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۵، ص ۱۷۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۷، ص ۷۹). علاوه بر این، هنگامی که در مسیر کربلا با فرزدق ملاقات می‌کند از کاری‌های خلاف حاکمان بنی‌امیه و ضرورت قیام برای اصلاح امور سخن می‌گوید و یکی از دلایل این امر را این‌گونه بیان می‌کند که بنی‌امیه اموال و حقوق فقیران و بیچارگان را پایمال و ویژه خود ساخته‌اند^۲ (ابن جوزی، ۱۴۱۸ق، ص ۲۱۸). اینها نمونه‌هایی از تأکید ویژه امام حسین(ع) بر رعایت حق‌الناس و به طور خاص حقوق مالی و حق مالکیت افراد است که از درس‌های ماندگار نهضت عاشورا است.

۲.۶. تأکید بر حق افراد در انتقاد از خطای حاکمان

اگرچه در اسناد بین‌المللی حقوق بشر مقررهای مستقل تحت عنوان صریح «حق انتقاد» وجود ندارد، اما این حق، در تحلیل فنی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مصادیق و مظاهر بنیادین «حق آزادی بیان» تفسیر می‌شود.

آزادی بیان به‌عنوان یک حق اساسی بشر، شامل حق ابراز و انتشار دیدگاه‌ها، حتی در قالب انتقاد یا اعتراض، است. بر همین اساس، ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد که «هر فرد دارای حق آزادی عقیده و بیان است که شامل حق اخذ و انتشار اطلاعات و افکار از هر طریق و بدون ملاحظات مرزی می‌شود». همچنین، بند ۲ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی عبارتی مشابه را بیان می‌دارد. این اسناد، حق افراد در بیان و انتشار آزادانه دیدگاه‌های خود، شامل دیدگاه‌های انتقادی، از طریق رسانه‌ها، مطبوعات و سخن‌گفتن را به رسمیت شناخته‌اند (در این باره نک: سیدفاطمی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۱۱۸؛ عباسی، ۱۳۹۵، ص ۱۵۲). لازم به ذکر است که بند ۳ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی محدودیت‌های مجاز بر این حق را، برای حفظ منافع عمومی، به‌طور دقیق برشمرده است.

در آموزه‌های دینی نیز انتقاد از حاکمان در قالب واژه‌هایی چون: نصیحت، تذکر، توأصی به حق، دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر آمده است و نه تنها به عنوان یک حق بلکه به عنوان تکلیف نیز مطرح شده است (نک: ارسطو و اکبری، ۱۳۹۶، ص ۳۳). در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که عمدتاً برگرفته از آموزه‌های اسلامی است در اصل هشتم به این حق و تکلیف اشاره شده و آمده است: «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت...».

با تأمل در قیام و نهضت امام حسین(ع)، مشهود است که یکی از جلوه‌های حقوق بشری این حرکت، تأکید آن حضرت بر حق افراد بر نقد، انتقاد و اعتراض به خطای حاکمان و نیز امر به معروف و نهی از منکر است. این حق، به‌عنوان یک اصل اساسی نظام سیاسی اسلام و یکی از حقوق بنیادی مردم قلمداد می‌شود.

۱. «وَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ... عَطَّلُوا الْحُدُودَ وَاسْتَأْتَرُوا بِالْفِئَةِ».

۲. «يَا فِرَزْدَقُ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ... اسْتَأْتَرُوا فِي أَمْوَالِ الْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ...».

اهمیت این تأکید در قیام اباعبدالله الحسین (ع)، از آن روست که حاکمان بنی امیه با تزویر و ریا، منصب خلافت رسول خدا (ص) را غصب کرده و با رفتارهای خلاف حق و عدالت، جامعه را از مسیر صحیح منحرف ساخته بودند. از این رو، امام (ع) ابتدا معیار و ویژگی های حاکم اسلامی و حکمرانی مطلوب را برای مردم تبیین می کند تا تصریح نماید که یزید، حاکم مورد اعتراض، فاقد هرگونه مشروعیت و ویژگی های لازم است. ایشان در نامه به اهل کوفه، به این نکته اشاره کرده و می فرماید: «به جان خودم سوگند، امام و پیشوا کسی نیست مگر آن که بر اساس کتاب خدا حکومت کند، عدل و داد را بر پا دارد، پایبند دین حق باشد و خود را وقف در راه خدا کند» (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۹؛ ابومنخف، ۱۴۱۷ق، ص ۹۶).

آن حضرت برای این که کسی گمان نکند اعتراضش به حکومت با هدف هرج و مرج در جامعه و مختل ساختن نظام معیشت مسلمین است، هنگام خروج از مدینه در وصیتش به محمدبن حنفیه تأکید می کند که هدفش از قیام اصلاح امور حکمرانی جامعه بر طبق سنت رسول خدا (ص) است: «و همانا من برای سرکشی و خود پسندی و تکبر و فساد کردن و ظلم نمودن خارج نشدم [قیام نکردم]. و به تحقیق که من برای اصلاح و درست کردن [کارها] در میان امت جدم قیام کردم و می خواهم به نیکی سفارش و از بدی نهی کنم و مطابق سیره جدم رسول خدا و پدرم علی بن ابی طالب علیهم السلام رفتار می نمایم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴ ص ۳۲۹؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۱۸۹).

نکته مهم دیگری که امام (ع) در سخنان خود به آن اشاره و تأکید دارد این است که اگر من اعتراض می کنم با هدف اصلاح امور حکمرانی جامعه مسلمین است و طالب قدرت و ریاست نیستم. ایشان می فرماید: خدایا، تو می دانی، آنچه به دست ما صورت گرفت نه به خاطر رغبت در قدرت و ریاست بود و نه به طلب مال و ثروت. بلکه می خواستیم نشانه های دین تو را که دگرگون شده بود بازگردانیم و بلاد تو را اصلاح را آشکار کنیم تا بندگان ستم دیده ات در امان مانند و فرائض و سنتها و احکام تو عملی گردد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۷، ص ۸۰؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۳۹).

همان گونه که مشاهده می شود آن حضرت تمرکز خود را بر اعتراض و انتقاد نسبت به خطاهای فاحش حاکمان بنی امیه در عرصه حکمرانی و امر به معروف و نهی از منکر آنان و به طور خاص حاکم ظالم عصر خویش یعنی یزید قرار می دهد و به مردم هم هشدار می دهد که پیامبر خدا (ص) فرمود: کسی که حاکم ستمکاری را که حرام خدا را حلال بداند، عهد و پیمان خدا را بشکند، مخالف سنت رسول خدا باشد، در میان مردم با گناه و عدوان (ظلم) رفتار نماید، ببیند اما گفتار و رفتار خود را تغییر ندهد (اقدامی

۱. «فَلَعَمْرِي مَا الْإِمَامُ إِلَّا الْحَاكِمُ بِالْكِتَابِ الْقَائِمُ بِالْقِسْطِ الدَّائِنُ بِدِينِ الْحَقِّ الْحَابِسُ نَفْسَهُ عَلَى ذَاتِ اللَّهِ وَالسَّلَامِ».
۲. «وَأَنِّي لَمْ أُخْرَجْ أُشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي (ص) أَرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع)».
۳. «اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ مَا كَانَ مِنَّا تَنَافُسًا فِي سُلْطَانٍ وَلَا تِلْمَاسًا مِنْ فَضُولِ الْخَطَامِ وَلَكِنْ لِنَرْدِ (لِنُرِي) الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَنُظْهِرَ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ وَنَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَنَعْمَلَ بِفَرَائِضِكَ وَسُنَّتِكَ وَأَحْكَامِكَ».



علیه او نکند) خداوند حق دارد که (در قیامت) وی را هم در جایگاهی نظیر جایگاه او (حاکم ظالم) داخل کند (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۵، ص ۴۰۳؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۴، ص ۴۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴ ص ۳۸۱).

۲.۷. رعایت حق افراد در دسترسی به اطلاعات و احترام به آن

حق دسترسی افراد به اطلاعات، به عنوان یکی از حقوق نسل اول حقوق بشر (حقوق مدنی و سیاسی)، محسوب می شود مابین حق، ضمن آنکه از بنیان‌های اساسی حکومت‌های مردم‌سالار است، معیار مهمی برای سنجش شفافیت حکومت قلمداد می‌گردد. اسناد بین‌المللی حقوق بشر، از جمله ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۲ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بر حق همگان در دسترسی به اطلاعات، بدون ملاحظات مرزی، تأکید کرده‌اند.

اهمیت این حق از ابعاد چندگانه قابل تحلیل است: اول، زمینه‌سازی برای آزادی بیان است؛ زیرا دسترسی به اطلاعات صحیح، پیش شرط تحقق آزادی بیان است. دوم، مبارزه با فساد و تضییع حقوق است. این حق، موجب ابهام‌زدایی از عملکرد و سیاست‌های حکومت شده و در نتیجه، به جلوگیری از پایداری شدن حقوق شهروندان و نیز ممانعت از فساد مسئولین کمک می‌کند. سوم، تقویت مشارکت و نظارت است. دسترسی آزاد به اطلاعات، زمینه را برای گسترش مشارکت فعال و نظارت مردم در امور حکومت و تصمیمات آن فراهم می‌آورد تا شهروندان آگاهانه نسبت به احقاق حقوق خود اقدام نمایند و در نهایت، تضمین حکمرانی خوب است. این حق، زمینه را برای حکمرانی خوب و پاسخ‌گو کردن حکومت در برابر شهروندان فراهم می‌سازد.

گرچه در آموزه‌های اسلامی با عنوان حق دسترسی به اطلاعات مطلبی ذکر نشده است اما قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که غالب اصول آن با الهام از آموزه‌های اسلامی تدوین شده است، در اصل سوم تکالیفی را بر عهده دولت جمهوری اسلامی ایران گذاشته است که با شناسایی و اعمال حق دسترسی به اطلاعات ملازمه دارند. این اصل، دولت را موظف کرده است که برای نیل به اهداف پیش‌بینی شده در اصل دوم قانون اساسی، همه امکانات خود را برای «بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر»، «آموزش و پرورش و رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی»، «تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان و مانند آن به کار گیرند (انصاری، ۱۳۹۷، ص ۱۷).

یکی از آموزه‌های مهم حقوق بشری قیام امام حسین(ع)، تأکید آن حضرت بر رعایت حق دسترسی آزاد افراد به اطلاعات به‌ویژه برای اصحاب و یاران خود است. امام(ع) برای جلب افراد و نگه داشتن آنان در سپاه کم تعداد خود، اخبار و اطلاعات مهم را که می‌توانست در تصمیم‌گیری آنان مؤثر باشد را پنهان نکرد، بلکه از همان ابتدای قیام خود، صداقت و شفافیت را در اطلاع رسانی و خبررسانی در پیش گرفت و حق آنان را در دسترسی به اطلاعات رعایت کرد. از این رو، وقتی که می‌خواست از مکه حرکت کند در خطبه‌ای، با صداقت و شفافیت تمام، اطلاعات لازم را به کسانی که قصد داشتند او را همراهی کنند، ارائه کرد؛ چون

۱. «أَيُّهَا النَّاسُ؛ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ: «مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَجِلًّا لِحَرَمِ اللَّهِ، نَاكِبًا لِعَهْدِ اللَّهِ، مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، يَعْمَلُ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ فَلَمْ يَغَيِّرْ عَلَيْهِ يَفْعَلْ وَلَا قَوْلَ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَهُ مَدْخَلُهُ».



ممکن بود برخی فکر کنند امام(ع) در این حرکت به حکومت یا پیروزی و غنائمی می‌رسند، اما امام(ع) این کار را نکرد و با آنان آشکارا سخن گفت که هر کس آمادگی کشته شدن در راه خدا دارد، همراه ما بیاید: «هر یک از شما حاضر است در راه ما از خون قلب خویش بگذرد و جانش را در راه ما نثار کند آماده حرکت با ما باشد» (سید ابن طاووس، بی‌تا، ص ۶۱).

علاوه بر این، آن‌گونه که منابع تاریخی نقل کرده‌اند، در طول مسیر نیز هر جا اطلاعات تازه‌ای به حضرت می‌رسید که ممکن بود به یاران او و سرنوشت آنان مرتبط باشد، حتی اگر آن خبر ناگوار و موجب پراکنده شده یاران حضرت می‌شد، بی‌درنگ آن را در اختیارشان قرار می‌داد؛ از جمله اخباری که دو نفر به نام عبدالله بن سلیمان و منذر بن مشمعل برای آن حضرت آوردند. آنان به امام(ع) عرض کردند خبر جدیدی داریم اگر خواستید آشکارا بگوییم و اگر خواستید در نماند. حضرت فرمودند آشکارا بگویید؛ زیرا بین ما و اصحاب ما چیزی مخفی و نهان نیست. آنان نیز خبر شهادت مسلم بن عقیل را اعلام کردند. امام(ع) بلافاصله اصحاب را گرد هم آورده و به صورت واضح و شفاف خبر پراکنده شدن مردم از اطراف مسلم و شهادت او را به اطلاع آنان رساند (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۵، ص ۳۹۸، امین، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۵۹۵).

همچنین پس از رسیدن به سرزمین کربلا، امام(ع) مجدداً وضعیت بحرانی را به آنان یادآور شد و اطلاعات کامل در اختیار اصحاب قرار داد تا بتوانند آگاهانه تصمیم‌گیری نمایند. افزون بر این، شب عاشورا که درگیری و شهادت برای آن حضرت قطعی شده بود، ایشان اصحاب را گرد آورد و به صراحت اعلام و اطلاع داد که هر کس بماند فردا شهید خواهد شد. از این رو، فرمود هر کس می‌خواهد می‌تواند از تاریکی شب استفاده کرده و برود (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۵، ص ۴۱۸؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۴، ص ۵۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ص ۳۹۲-۳۹۳) آیین در حالی بود که امام(ع) خود و اهل و عیالش را در میان دشمن تنها می‌دید. با این حال، ایشان اصرار داشتند که یارانش با اطلاع کامل از سرنوشتی که در انتظار آنان است، تصمیم بگیرند

نتیجه‌گیری

هدف این مقاله واکاوی آثار رویکرد حقوق بشری به قیام امام حسین(ع) بود. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که با وجود اهمیت ابعاد عاطفی و حماسی و تاریخی، این نهضت دارای ظرفیت‌های عظیم و عمیق منحصر به فرد دیگری از جمله ظرفیت‌های حقوقی و انسانی است که فراتر از تفسیر صرفاً مذهبی قرار می‌گیرد که در عین حال، کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. اتخاذ رویکرد حقوق بشری به این قیام و نهضت، قلمرو تأثیرگذاری آن را از محدوده یک دین و مذهب خاص، به یک الگوی جهانشمول و الهام‌بخش برای تمام بشریت گسترش می‌دهد.

۱. مَنْ كَانَ بَادِلًا فِينَا مَهْجَتَهُ وَ مَوْطِنًا عَلَي لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ فَلْيَرْحَلْ مَعَنَا فَإِنِّي رَاحِلٌ مُصْبِحًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.
۲. عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَلِيمَانَ وَ الْمُنْذِرُ بْنُ الْمَشْمَعْلِ الْأَسَدِيَّانِ قَالَا... فَأَقْبَلْنَا حَتَّى لَجَقْنَا بِالْحُسَيْنِ... فَقُلْنَا لَهُ: إِنَّ عُنْدَنَا خَيْرًا إِنْ شِئْتَ حَدَّثْنَاكَ بِهِ غَلَابِيَّةً وَ إِنْ شِئْتَ سِرًّا فَنَنْظُرُ إِلَيْنَا وَ إِلَى أَصْحَابِهِ ثُمَّ قَالَ مَا دُونَ هَؤُلَاءِ سِرٌّ فَقُلْنَا لَهُ... فَأَخْرَجَ لِلنَّاسِ كِتَابًا فَقَرَأَ عَلَيْهِمْ... أَمَا بَعْدَ فَإِنَّهُ قَدْ أَتَانَا خَيْرٌ فَطِيعٌ قَتْلُ مُسْلِمِ بْنِ عَقِيلٍ وَ هَائِهِ بِنِ عَرُوءَةَ وَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ بَقَطْرٍ وَ قَدْ خَدَلْنَا شِيعَتُنَا...».
۳. «وَ إِنِّي قَدْ أَذْنَتُ لَكُمْ، فَاطْلِقُوا جَمِيعًا فِي جِلِّ، لَيْسَ عَلَيْكُمْ مِنِّي ذِمَامٌ هَذَا اللَّيْلُ قَدْ غَشِيَكُمْ فَاتَّخِذُوهُ جَمَلًا».



علاوه بر این، نتایج بحث حاکی از آن است که رویکرد حقوق بشری به نهضت حسینی که بر مبنای تحلیل خطبه‌ها و سیره عملی امام(ع) صورت گرفت، مؤید آن است که این نهضت، دربردارنده مجموعه‌ای منسجم از آموزه‌های بنیادین حقوق بشری است که مهم‌ترین آن عبارتند از: تأکید و توجه فراوان بر رعایت حرمت، کرامت و منزلت انسان‌ها، ضرورت رعایت عدالت و نفی ظلم و ستم، صیانت از حق انسان‌ها بر حیات، توجه افراد نسبت به حقشان بر تعیین سرنوشت و انتخاب آزادانه و آگاهانه، احترام به حق الناس به‌ویژه حقوق مالی و حق مالکیت افراد، تأکید بر حق افراد در انتقاد و اعتراض به حاکمان و رفتار خطای آنان، رعایت حق انسان‌ها در دسترسی آزاد به اطلاعات و مانند آن بخشی از آموزه‌های مهم و الهام‌بخشی هستند که رویکرد حقوق بشری به قیام امام حسین(ع) آن‌ها فراروی بشریت قرار می‌دهد. این حق‌ها، مهم‌ترین حق‌های بشری مورد توجه نظام بین‌الملل حقوق بشر و نیز حقوق بشر اسلامی محسوب می‌شوند.

ظهور و بروز این مؤلفه‌ها در قیام و نهضت حسینی، تأکیدی عملی بر این مدعا است که بخش مهمی از فلسفه قیام امام حسین(ع)، در احقاق و احیای همین حقوق تضييع شده و بنیادین انسان‌ها نهفته بوده است و نیز مقابله با ظلم و جور حکومتی بوده که اقدام به نقض گسترده حقوق انسان‌ها و حدود الهی می‌کرد.

تبیین این رویکرد، اهمیت مضاعفی برای عصر حاضر و انسان معاصر دارد؛ زیرا ضمن تقویت گفتمان حقوق بشر، چشم‌اندازی جدید نسبت به نهضت حسینی فراروی بشر قرار می‌دهد که بتواند متناسب با هر عصر و نسل و مکانی، از آن به مثابه چراغی هدایت‌گر و الهام‌بخش بهره‌گیرد لذا، تداوم پژوهش‌ها با این نگاه، گامی مهم در راستای تأکید بر حمایت و حفاظت از حقوق انسان‌ها از خاستگاه دین اسلام و مکتب اهل بیت(ع) خواهد بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن اثیر (۱۳۸۵ق). الکامل فی التاریخ. بیروت: دارالصادر.
۲. ابن جوزی (۱۴۱۸ق). تذکره الخواص. قم: منشورات الشریف الرضی.
۳. ابن شعبه حرانی. حسن بن علی (۱۴۰۴ق). تحف العقول عن آل الرسول. قم: جامعه مدرسین.
۴. ابن شهر آشوب (۱۳۷۹ق). المناقب. قم: نشر علامه.
۵. ابو مخنف. لوط بن یحیی (۱۴۱۷ق). وقعه الطف. قم: جامعه مدرسین.
۶. امین عاملی. سید محسن (۱۴۰۳ق). اعیان الشیعه. بیروت: دارالتعارف.
۷. بحرانی. سید هاشم (۱۴۱۳ق). مدینه معجزه الأئمه الإثنی عشر. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
۸. جوادی آملی (۱۳۸۵). عبدالله. تسنیم. قم: مرکز نشر اسرا.
۹. جوادی آملی (۱۳۸۹). عبدالله. فلسفه حقوق بشر. قم: مرکز نشر اسرا.
۱۰. خمینی. روح الله (۱۳۸۹). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۱. خوانساری. سید احمد (۱۴۰۵ق). جامع المدارک فی شرح مختصر النافع. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۲. سید ابن طاووس (بی تا). اللهوف علی قتلی الطفوف. تهران: نشر جهان.
۱۳. سید فاطمی. سید محمد (۱۳۹۳). حقوق بشر در جهان معاصر. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.
۱۴. شیخ صدوق. محمد بن علی ابن بابویه (۱۳۷۸ق). عیون اخبار الرضا (ع). تهران: نشر جهان.
۱۵. شیخ صدوق. محمد بن علی ابن بابویه (۱۳۹۵ق). کمال الدین و تمام النعمه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۶. شیخ مفید. محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۷. طباطبایی مؤتمنی. منوچهر (۱۳۹۴). آزادی های عمومی و حقوق بشر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۸. طباطبایی. سید محمد حسین (۱۳۹۴ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۹. طبرسی. فضل بن حسن (۱۳۹۰ق). إعلام الوری بأعلام الهدی. تهران: اسلامیه.
۲۰. طبری. محمد بن جریر (۱۳۸۷ق). تاریخ الطبری. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۱. طریحی. فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تهران: مرتضوی.
۲۲. عباسی. بیژن (۱۳۹۵). حقوق بشر و آزادی های بنیادین. تهران: نشر دادگستر.
۲۳. فراهیدی. خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). کتاب العین. قم: نشر هجرت.
۲۴. فیروزی. مهدی (۱۳۸۵). کرامت انسانی زندانیان؛ راهبردها و راهکارها. قم: انتشارات صفحه نگار.
۲۵. فیض کاشانی. محسن (۱۴۰۶ق). الوافی. اصفهان. کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی (ع).
۲۶. قربان نیا. ناصر (۱۳۸۷). حقوق بشر و حقوق بشردوستانه. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۷. مجلسی. محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۸. مرعشی تستری (۱۴۰۹ق). قاضی نورالله. إحقاق الحق و إزهاق الباطل. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۲۹. مصطفوی. حسن (۱۳۶۸). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۰. مطهری. مرتضی (۱۳۵۲). عدل الهی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۳۱. منتظری. حسینعلی (۱۴۰۹ق). دراسات فی ولاية الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه. قم: نشر تفکر.



۳۲. وحید بهبهانی. محمدباقر (۱۴۲۶ق). حاشیة الوافی. قم: مؤسسه العلامه المجدد الوحید البهبهانی.
۳۳. هاشمی. سیدمحمد (۱۳۹۱). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی. تهران: نشر میزان.
۳۴. ارسطو. محمدجواد و اکبری. مینا (۱۳۹۶). «تأملی بر جایگاه نافرمانی مدنی در اسناد بین‌المللی. فقه سیاسی شیعه و نظام حقوقی ایران». فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب. سال چهارم. شماره ۲.
۳۵. امامی. مسعود (۱۳۹۱). «اعتبار عقلی رأی اکثریت بر مبنای حق تعیین سرنوشت». فصل‌نامه کاوشی نو در فقه. سال نوزدهم. شماره ۷۲.
۳۶. انصاری. باقر (۱۳۹۷). حق دسترسی به اطلاعات: آزادی اطلاعات. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۷. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای به آدرس:

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=4022&npt=8>

۳۸. روزنامه آمریکایی «وال استریت ژورنال». به نقل از: isna.ir/xdRhP3

- ۱) Conde, H., Victor, A Handbook of International Human Rights Terminology, Santa Barbara CA: ABC – Clio, ۲۰۰۲.
- ۲) Hannum, Hurst (1996), Autonomy, Sovereignty and Self-Determination: The Accommodation of Conflicting Rights, Philadelphia, University of Pennsylvania Press.
- ۳) International Covenant on Civil and Political Rights, 1966.
- ۴) Kelsen, Hans (1957), What is Justice? Justice, Law and Politics in the Mirror of Science, Berkeley: University of California Press.
- ۵) Universal Declaration of Human Rights, 1948.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی